

تکیه دولت و کاربردهای آن

دکتر سید علیرضا ابطحی^۱

دکتر احمد کامرانی فر^۲

مآنده شریفی نیا^۳

چکیده

تعزیه و عزاداری برای شهدای کربلا از مراسم دیرپای جامعه ایران به ویژه پس از رسمی شدن آیین تشییع است. این امر در دوره قاجار برای کسب مشروعیت مردمی، بیش از پیش مورد تشویق قرار گرفت. در این زمان هر طبقه و صنف برای برگزاری عزاداری علاقه نشان می داد و سعی می کرد تا از طریق «ساختن تکیه ها و وقف آن اجر دنیوی و اخروی کسب کند و نام نیکویی برای خود باقی بگذارد.

دوران حکومت ناصرالدین شاه از مقاطع رونق عزاداری و برپایی مراسمی از این قبیل بود. سال ۱۲۹۰ ه.ق به فرمان ناصرالدین شاه قاجار تکیه ای نیز به همین منظور توسط معماران و مهندسان ساخته شد که به نام تکیه دولت معروف گردید. اما این دوران طولی نکشید و با مرگ ناصرالدین شاه برپایی مراسمی از این قبیل رو به افول گذاشت تا اینکه دستور ممنوعیت تعزیه توسط رضاشاه صادر شد. در سال ۱۳۲۵ ه.ق محمدرضا شاه پهلوی دستور داد تا آخرین بقایای تکیه دولت که پیش از آن در اثر بی توجهی ویران شده بود تخریب گردد. در این مقاله به مواردی چون معنی لغوی، ساخت تکیه دولت و مشخصات فنی تکیه دولت، چگونگی اجرای مراسم تعزیه در تکیه دولت و برخی دیگر از کاربردهای متنوع تکیه دولت سخن به میان آمده است.

واژگان کلیدی: تکیه دولت، ناصرالدین شاه، تعزیه، تهران

۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

نخستین عزاداری رسمی بر شهدای کربلا در جهان اسلام توسط آل بویه (۴۴۷-۳۳۴ق/۱۰۵۵-۹۴۶م) برگزار شد. به دستور ممالک الدوله (۳۵۶-۳۲۰ق/۹۶۷-۹۳۲م) روز عاشورا تعطیل عمومی اعلام شد تا در این روز مردم عزاداری کنند. از آن به بعد عزاداری برای امام حسین (ع) رایج شد. با روی کار آمدن دولت صفویه به عنوان یک دولت شیعی عزاداری شکل سازمان یافته تری پیدا کرد و کتاب هایی در زمینه تعزیه نوشته شد که از آن جمله می توان به کتاب روضه الشهداء اشاره کرد. نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸) برپایی مراسم عزاداری را از آن جهت که موجب اختلافاتی میان شیعیان و سنیان عثمانی می شد، ممنوع کرد. در زمان سلطنت کریم خان زند (۱۱۷۹-۱۱۶۵)، یکی از سفرایی که به اروپا فرستاده شده بود پس از بازگشت حکایت هایی از تأثرهای اروپایی گفت و کریم خان زند دستور داد تا واقعه عاشورا را به صورت نمایش درآورند و بدین ترتیب در دوره زندیه تعزیه کامل تر از دوره های قبل گردید. به دنبال فتوای آیت الله قمی و به علت تشویق های صدراعظم محمد شاه، حاج میرزا آقاسی، مراسم تعزیه و عزاداری در دوره قاجاریه رونق خاصی گرفت و در زمان ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. تا قبل از آن مراسم عزاداری در بقاع متبرکه، کاروانسراها، میادین، صحن امامزاده ها، بازار و کوچه ها برگزار می شد. اما در سال هایی که محرم و صفر مصادف با زمستان بود مراسم تعزیه برگزار نمی شد. همین مسأله نیاز به مکان هایی سرپوشیده برای برگزاری تعزیه را آشکار می ساخت. در پی احساس نیاز به مکان های مسقف بود که ناصرالدین شاه دستور ساخت تکیه دولت را داد.

سؤالات مطرح شده در این پژوهش عبارتند از: دلیل واقعی ساخت تکیه دولت چه بود؟ علت افول تکیه دولت بعد از ترور ناصرالدین شاه چه بود؟ تکیه دولت چه کاردهایی داشته است؟ می توان گفت علاقه مردم به عزاداری و استقبال آنها از مراسم تعزیه دلیل اصلی ساخت تکیه دولت بود. البته بعدها به دلایل سیاسی و اجتماعی و حوادث مشروطه، مراسم عزاداری رو به افول رفت. مهم ترین کاربرد تکیه دولت برپایی مراسم عزاداری برای خاندان سلطنتی و ... بود.

در کتاب هایی از جمله «تعزیه هنر بومی و پیشرو ایران» از پیتر چلکووسکی، «پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی» از عنایت الله شهیدی اطلاعاتی در مورد تکیه دولت می توان یافت. همچنین در پاره ای از سفرنامه های سیاحان اروپایی می توان اطلاعاتی در این باره به دست آورد، هر چند این

سیاحان به راحتی حق ورود به تکیه دولت را نداشتند.

تکیه دولت و کاربردهای آن

در فرهنگ، «ا و لغت نامه ها برای تکیه به جز معنای لغوی آن (پشت دادن و تکیه کردن به چیزی یا قرار گرفتن برآن) سه معنی دیگر ذکر شده است: ۱- گورستان و بقاع مشایخ صوفیان و عارفان و قدیسان ۲- محل نگهداری فقیران و تهیدستان (کاروانسرا و منزلگاه فقیران صوفیه) ۳- جایی وسیع که در آن مراسم عزاداری و شبیه خوانی بر پا کنند.^۱

تکیه در نزد درویشان به معنی جایگاه درویشان است (که خانقاه) تعبیر دیگر آن است. به مرور با رواج تشیع در ایران، تکیه در نزد مردم به حسینیه، محلی برای عزاداری حضرت سید الشهداء و برای ائمه شیعیان تعبیر یافت.^۲

مردم و بانیان در ساختن تکیه برای برگزاری تزییه شوق و علاقه زیادی نشان می دادند و می کوشیدند تا از طریق ساختن تکیه و وقف آن اجر دنیوی و اخروی برای خود کسب کنند و در میان آشنایان نامی نیکو کسب کنند.^۳ حاج میرزا آقاسی صدراعظم محمد شاه در محله بازار در راسته عباس آباد تکیه ای ساخت که بزرگترین تکیه تهران آن زمان بود.^۴

در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه تعداد تکایای تهران در حدود ۵۴ باب بود. این تعداد در اواخر سلطنت وی به ۷۵ باب افزایش یافت. از مهم ترین تکیه ها بعد از تکیه حاج میرزا آقاسی (عباسی آباد) و تکیه دولت عبارت بودند از: تکیه سهسالار، تکیه ولی خان، تکیه نوروزخان، تکیه اسماعیل بزاز، تکیه قورخانه، تکیه دباغ خانه، تکیه عودلاجان، تکیه زنبورکخانه و...^۵

سال ۱۲۵۰هـ.ش/۱۲۸۳هـ.ق، با سفری که ناصرالدین شاه به انگلستان داشت و با مشاهده تأثرهای اروپایی که گنجایش تعداد زیادی تماشاگر را داشت و علاوه بر آن با افزایش جمعیت تهران و اشتیاق مردم، اعیان و اشراف به تزییه و علاقه ناصرالدین شاه به داشتن مکانی مناسب و سرپوشیده برای برگزاری تزییه های دولتی برای رجال دولتی و دریاری و با توجه به اینکه تکیه دولت قدیم (تکیه حاج میرزا آقاسی) گنجایش انبوه تماشاگران تهرانی را نداشته و محل مناسبی برای مراسم تزییه نبود، آنچنان تحت تأثیر قرار گرفت که پس از مراجعت از انگلستان به مهندسان خود دستور داد تا مشابه آنچه را که دیده بود در کنار کاخ گلستان بسازند بنایی که بعدها به تکیه دولت معروف شد.^۶

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۳هـ.ق به دوستعلی خان مصیر الممالک دستور داد تا همراه ساختن کاخ

شمس الصماره، تکیه وسیع و بزرگی هم در کنار آن بنا کند. معیر الممالک، مهندسان و معماران مشهور تهران را برای این کار گرد آورد. تا سال اتمام ساختمان شمس الصماره، مصار یا معماران فقط به تهیه مقدمات کار و ابزار و مصالح ساختمانی تکیه و طراحی و پی کنی و امثال آن پرداختند تا اینکه در سال ۱۲۹۰ تکیه دولت پایان یافت.^۷ حسینعلی مهین معمار و سازنده بنای تکیه دولت بود.^۸

معیر الممالک مأموریت داشت تکیه ای بزرگ با ظرفیت حداقل بیست هزار نفر بسازد. معیر الممالک چون به دلایل امنیتی، رفت و آمد شاه و اهل حرم به محل تنزیه، الزام داشت این تکیه را در محلی مجاور ارگ سلطنتی احداث کند، ناچار شد قسمتی از زندان دولتی و سیاهچال و نیز عمارت مسکونی امیر کبیر و بعضی انبارهای قدیمی و کهنه ارگ را که در ضلع جنوبی کاخ گلستان قرار داشت به این امر اختصاص دهد.^۹ هزینه بنای تکیه دولت در حدود یکصد و پنجاه هزار تومان شد.^{۱۰} جبران مخارج گزاف دربار در برافراشتن تکیه دولت تا حدودی از طریق وصولی های حق اشتراک سالانه اعیان و اشراف از جاهای مخصوص تامین گردید. که مقدار آن در سال بالغ بر ۱۶۲۵۰ قران (۴۸۸ پاوند استرلینگ) بود.^{۱۱}

بعضی از جهانگردان خارجی که از تکیه دولت دیدن کرده اند آن را شبیه سیرک های اروپایی دانسته اند.^{۱۲}

تکیه دولت دارای ارتفاع تقریبی ۲۴ متر و عرض حدوداً ۳۴ متر بود. قطر بنا حدود شصت متر^{۱۳} و از خارج به صورت منشوری هشت ضلعی و از داخل به شکل استوانه ای کامل طراحی شده بود.^{۱۴} اما هنوز ساختمان تکیه کامل نشده بود که مخالفت هایی برای اجرای نمایش در آن صورت گرفت و ناصرالدین شاه آن را به تنزیه خوانی اختصاص داد، کاری که تا قبل از آن در قصر شاهی و در زیر چادر انجام می گرفت.^{۱۵}

مادام کارلا سرنا یکی از جهانگردان خارجی است که از این بنا دیدن کرده در مورد معماری تکیه دولت نوشته است: «... دیوارهای خارج بنا مانند قسمت داخلی آن، فاقد هرگونه آرایشی هستند. حتی روی آجرها را با گچ یا آهک پوشانده اند. راهروهایی که از قصر به تکیه دولت متصل می شوند، پر پیچ و خم و تاریک اند. نمای سر در اصلی، نمونه ای از معماری جدید ایرانی است انبوهی از طاق، طاقچه، برج که با کاشی کاری و شیشه های ریز ریز، تزیین شده بود. اثر چنین سبکی در بیننده بدیع و حتی قشنگ است، اما هیچ نظم و ابهتی ندارد...».^{۱۶}

اصل بنا با آجر ساخته شده و به مرور قسمت های درونی اش با کاشی های لعابدار آبی رنگ پوشانیده شد. کاشی کاری های رنگارنگ همراه با تزئینات حدود شصت غرفه که در سه ردیف روی هم ساخته شده بودند به فضای درونی تکیه چهره زیبایی بخشیده بود.^{۱۷} همان گونه که ذکر شد تکیه دولت به صورت دایره بنا شده و شامل سه طبقه برای اسکان و سکونت و با سردابه ها چهار طبقه می شد.^{۱۸}

اتاق های طبقه اول ویژه وزرا و حکام ولایات بود که تقسیم آن با نظارت ناظر (فراشباشی) بین آنها انجام می شد. هر وزارتخانه و ایالت می بایست یکی از اتاق ها را تزئین می کردند. اعیان و بزرگان تهران به مناسبت روابط خصوصی با پیشکار یا دوستی با وزیر به این طاق نما دعوت می شدند. اتاق های طبقه دوم ارسی داشت و مخصوص زنان حرم بود. طبقه سوم جایگاه نقاره چی ها بود که با نرده ای حفاظت می شد.^{۱۹}

غرفه هایی که در طبقه هم کف قرار داشت دارای پوشش نبود ولی غرفه های دیگر که مخصوص زنان اندرون بود با پنجره های مشبک چوبی مسدود بودند.^{۲۰}

طاق نما به دو قسمت تقسیم می شد: غرفه جلوویی و غرفه پشتی، بعضی از این غرفه ها مخصوص زنان بود. هر غرفه به شاهزاده یا یک مقام والا اختصاص داشت که آن را به هزینه و سلیقه خود مانند طبقات پایین و بالاتر تزئین می کرد. در غرفه های پشتی خدمتکاران، چای، شربت و غذا جهت پذیرایی حضار هر یک از این غرفه ها و اتاق ها آماده می کردند.^{۲۱}

لیدی شیل در مورد غرفه شاه نوشته است: جایگاه مخصوص شاه در بالا و روبروی صحنه قرار داشت و در سمت راست آن ابتدا جایگاه عموهای شاه و صدراعظم و پس از آن به ترتیب محل نشستن وزیر مختار انگلیس و وزیر مختار روسیه و دیگران قرار داشت. در سمت چپ، جایگاه مادر شاه، زن های شاه، همسر صدراعظم، من و همسر وزیر مختار روسیه قرار داشت. در اثنای نمایش با پذیرایی مستمر به وسیله چای و قهوه و قلیان رفع خستگی تماشاگران می شد....^{۲۲}

برای افراد عادی نیز امکان حضور در تکیه دولت وجود داشت و بعضی از جهانگردان خارجی به نحوه حضور آنها اشاره کرده می نویسند: تماشاگران عادی در چندین ردیف دایره وار دور صحنه می نشستند و عده کمی در پشت سر زن ها ایستاده بودند....^{۲۳}

در جلو غرفه های طبقه پایین چندین ردیف پله قرار داشت که از آنها در یک سمت تکیه برای

نشستن تماشاگران به خصوصی زنان و در سوی دیگر برای چیدن چلچراغ‌های پایه دار، لاله‌ها، شمع‌دان‌ها، چراغ‌ها و گذاشتن آیین‌ها و تابلوهای مذهبی از جمله مجلس قربانی اسماعیل و دیدار یوسف و یعقوب و غیره استفاده می‌کردند. هنگام برگزاری تفریح در شب همه چلچراغ‌ها و لاله‌ها روشن بود و بیش از پنج هزار شمع تکیه دولت را روشن می‌کردند. همچنین دیرک‌های چوبی به شکل فانوس قرار داشت که در بالای آن چهار چراغ گاز (که بعد به چراغ برق تبدیل گردید) نصب شده بود و به خاطر اینکه نور آن مانع تماشای افراد غرفه‌های بالایی نگردد چهار چتر بر بالای آن بسته بودند. در صدر تکیه منبر بزرگ بیست پله‌ای و یک پارچه از سنگ مرمر نصب کرده بودند که پیش از شروع مراسم تفریح، روضه خوان‌ها بر بالای منبر می‌رفتند و به شرح مصیبت می‌پرداختند. در گرداگرد تخت نمایش راهی نیز برای حرکت دسته‌ها، سوارها و فیل‌ها، شترها و درشکه‌ها و اسب‌ها و ورود و گردش صفوف دیگر ساخته بودند.^{۲۴} در وسط تکیه سکویی از سنگ به بلندی یک متر ساخته بودند که به آن تخت می‌گفتند و بازیگران و شبیه‌خوان‌ها از پله‌هایی که در چهار طرف آن بود بر بالای سکو رفته و نقش خود را اجرا می‌کردند.^{۲۵}

تکیه دولت سه در داشت که هر کدام مخصوص ورود و خروج افراد خاصی بود. دری که به طرف کاخ گلستان باز می‌شد برای ورود و خروج شاه و درباریان و اهل اندرونی در نظر گرفته شده بود. در مقابل شمس‌العماره مخصوص زنان و درب مقابل بازار مخصوص ورود و خروج مردان بود.^{۲۶} زیر بنا و تأسیسات تکیه دولت آنقدر وسیع بود که پوشاندن سقف آن به هیچ وجه میسر نبود. چوب بستهایی به شکل گنبد با چند میله آهنی و پشت بندهای آجری سقف آن را تشکیل می‌داد تعداد این چوب بست‌های هلالی ابتدا چهار نیم دایره بود. اما چون در اواسط سلطنت مظفرالدین شاه بنا از چند محل شکست برداشت مظفرالدین شاه، مسیو بتن مهندس فرانسوی را به فرنگ فرستاد و او ستون‌های هلالی آهنی با خود به تهران آورد که تعداد نیم هلال‌های آن دوازده عدد و همه آنها با پیچ و مهره به هم بسته می‌شد.^{۲۷}

بعضی از جهانگردان در مورد سقف تکیه دولت نوشته‌اند: در ایام عزاداری بر تیرهای سقف پرده‌های ضخیم کرباس می‌کشیدند تا محافظ مردم از تابش آفتاب و باران باشد.^{۲۸} تکیه دولت در اواخر ذی‌الحجه، چند روز مانده به اول محرم برای تفریح آماده می‌شد. نایب‌النظاره دربار (که سرپرست و مدیر امور تشریفاتی بود) با همکاری ناظم‌الهی‌کا و کارکنان «نظارت خانه» تکیه

را آماده می کردند. ابتدا چادر بر سقف می کشیدند و تکیه را جاروب و تمیز می کردند، آنگاه پارچه های سیاه بر دیوار و جرزهای طاق نما می آویختند و سپس جایگاه شاه را با قالی و پارچه های رنگارنگ و چلچراغ و مانند آن تزئین می کردند. مراسم روضه خوانی در محرم تا روز تاسوعا در تکیه دولت برگزار می شد و گاه تا دهم و دوازدهم یا چهاردهم نیز ادامه داشت و حتی مراسم تعزیه خوانی در آن از یازدهم تا آخر محرم و گاهی تا آخر صفر نیز ادامه داشت و برخی اوقات در ماه هایی غیر از محرم و صفر تعزیه خوانی برقرار می شد.^{۲۹} نمایش تعزیه در دو نوبت شبانه روز یکی عصر از سه تا نیم ساعت قبل از غروب و دیگری از دو تا پنج و شش ساعت از شب گذشته بود.^{۳۰} کلیه برنامه ها و مراسم برگزار شده در تکیه دولت دینی و مذهبی نبود. گاهی اوقات قضیه جهت عکس پیدا می کرد چنانچه در سفرنامه اوژن اوبن آمده است: برنامه هایی که روز اجرا می شد کاملاً مذهبی و اخلاقی است اما برنامه نمایش های شب، تقریباً همیشه غیر اخلاقی و حتی گاهی کفر آمیز و شامل موضوعات متنوعی است که تنها مردها مجاز به تماشای آن هستند. هنگام شب تالاردر زیر نور چلچراغ ها می درخشد و منظره آن بسیار زیباتر از روز است ...^{۳۱}

موضوع نمایشنامه از سرگذشت شهیدان و یا بعضی از افسانه های ایرانی اقتباس می شد. معین البکا در انتخاب نهایی نوع تعزیه هایی که در تکیه دولت باید به اجرا در می آمد بدون چون و چرا تابع نظر شاه بود.^{۳۲} برنامه هایی که در طول سال اجرا می شد شامل:

برنامه های صبح:

- ۱- بیست و هشتم صفر: رحلت پیامبر(ص). گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲- درگذشت حضرت فاطمه(س).
- ۳- وداع با مدینه. امام حسین (ع) پیش از عزیمت به کربلا، برای آخرین بار قبر پیامبر را زیارت می کند او پیشاپیش پسر عمویش «مسلم» را به کوفه فرستاده بود.
- ۴- ورود امام حسین (ع) به کربلا و شهادت حر
- ۵- اهل بیت امام حسین (ع) به صورت اسیر و زندانی به دربار یزید در دمشق برده می شوند.
- ۶- شهادت امام حسین (ع)

برنامه های عصر:

- ۱- شهادت مسلم و دو طفل معصومش.

- ۲- درگذشت زینب خواهر امام حسین .
- ۳- شهادت حضرت عباس، برادر امام حسین (ع).
- ۴- حضرت سلیمان به کمک امام حسین می آید ولی متأسفانه خیلی دیر می رسد.
- ۵- شهادت علی اکبر، فرزند امام حسین (ع).
- ۶- فروخته شدن یوسف به دست برادران و ماجرای او با زلیخا.
- ۷- شهادت قاسم فرزند امام حسن (ع).
- ۸- عروسی حضرت سلیمان با بلقیس، ملکه سبا.

ورود غیر مسلمانان به تکیه دولت به راحتی صورت نمی گرفت.^{۳۳} اما برای مردم شهر ورود به تکیه شرط خاصی نداشت و ورود آزاد بود. به این دلیل که جمعیت بیشتر، دلیل بر مقبولیت برنامه ها بود.^{۳۴} اولین سال تمزیه خوانی در تکیه دولت مبهم است و ظاهراً در محرم سال ۱۲۹۱ ه. ق نخستین تمزیه خوانی در این تکیه برگزار شد ولی به خاطر اینکه همان سال و سال بعد ایام محرم مصادف با زمستان بود و به دلیل ناتمام بودن بعضی از بخش های تکیه، تمزیه خوانی با نظم و ترتیب در آن برگزار نمی شد. از سال ۱۲۹۳ یا ۱۲۹۴ ه. ق است که تمزیه خوانی در این تکیه با شکوه و جلال تا سال ها ادامه دارد.^{۳۵}

وضعیت تکیه دولت بعد از ناصرالدین شاه تا پایان قاجار

با ترور ناصرالدین شاه و پس از دوران سلطنت او مخالفت هایی از جانب فقها در مورد موضوع و نحوه مراسم تمزیه صورت گرفت،^{۳۶} که موجب شد تکیه دولت رونق گذشته خود را نداشته و رو به افول بگذارد.^{۳۷} همچنین در دوران سلطنت مظفرالدین شاه (۱۲۸۶-۱۲۷۵ ه. ش) تغییراتی در وزن داریست های چوبی طبقه سوم به دلیل وزن زیاد آنها داده شد و به ناچار داریست های چوبی یک طبقه از تکیه را برداشتند و به جای آن از تیر آهن فلزی استفاده کردند.^{۳۸}

اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران مظفری، تجددمآبی و مشروطه خواهی و رواج تدریجی نمایش و تأثر و سرگرمی های تازه در ایران و غرب گرایی و شیوه نثری زیستن، تغییر و تحولی در وضع زندگی اجتماعی و تفکر شهرنشینان به خصوص قشرها و طبقات فرادست و متوسط جامعه شهری پدید آورد و موجب شد تمزیه خوانی، جایگاه و بهشی از مخاطبان پیشین خود را از دست بدهد. با وجود این تمزیه خوانی های دولتی تا اوایل مشروطه و تمزیه خوانی های عمومی تا زمان رضا شاه

کم و بیش ادامه داشت.^{۳۸}

محمد علیشاه و درباریان او ظاهراً برای تحکیم پایه های سلطنت کوشش کردند تا سنت های دربار را حفظ کنند و از این جهت هر ساله در ایام محرم، مراسم تمزیه خوانی تکیه دولت کم و بیش با همان ویژگی های قبلی برگزار می شد. دوره سلطنت محمد علیشاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه.ق) و احمدشاه (۱۳۲۷-۱۳۲۹ ه.ق) آخرین سال های تمزیه خوانی در تکیه دولت بود و بعد از آن تمزیه خوانی در تکیه دولت تعطیل شد.^{۳۹}

به دنبال کودتای ۱۲۹۹ شمسی و به قدرت رسیدن سردار سپه، برای اینکه تکیه دولت بدون استفاده نماند در سال ۱۳۰۲ دستور داده شد خرابی هایی را که طی سال های تعطیلی در تکیه به وجود آمده بود را تعمیر کرده و تکیه را به نمایشگاه کالاهای وطنی تبدیل کنند.^{۴۰}

در سال ۱۳۰۴ ه.ق مجلس مؤسسان در محل تکیه دولت تشکیل شد. رضاشاه، علی رغم توجه و نیت واقعی اش در اوایل سلطنتش دستور برگزاری مجالس روضه خوانی را داد، اما چندی نگذشت که عزاداری و برگزاری مراسم تمزیه را به شدت محدود کرد.^{۴۱}

علل ممنوعیت عزاداری و تعزیه:

۱- علت مذهبی: تمزیه در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه از مسیر اصلی خود خارج شده و تبدیل به عاملی برای تفریح و سرگرمی شاه و درباریان گردید.

۲- علت سیاسی: اختلافات سیاسی و مذهبی که در دوره قاجار میان ایران و ترکیه وجود داشت در دوره رضاشاه از میان رفته بود و دیگر نیازی به برانگیختن حس اختلاف میان شیعه و سنی نبود.

۳- علل اجتماعی: انقلاب مشروطه و دستاوردهای آن باعث آگاهی مردم نسبت به حقوق خود شد و تبلیغاتی که در جهت روشن شدن اذهان عمومی صورت گرفت و بالاخره اوضاع اجتماعی و اقتصادی را تا حدی دگرگون کرد.

پدیدار شدن سرگرمی های تازه از جمله: نمایش های شاد، ترجمه نمایش های خارجی، طرح و ایجاد مسابقات ورزشی و استقرار قوانین کار، توجه به تحصیلات در کشورهای اروپایی و صدماتی که دولت قاجار به تمزیه صحیح و راستین زد. همچنین دور افتادن تعزیه از اصل خود باعث شد تمزیه در تهران و برخی شهرهای بزرگ رو به رکود گذاشت. تکیه دولت از آن پس متروک شده و رو به ویرانی نهاد.^{۴۲} در دوره سلطنت محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۵ ه.ش به دستور عبدالحسین هژیر تکیه

دولت تخریب شد و به جای آن ساختمان بانک ملی شعبه بازار و یک پاساژ و چند ساختمان مدرن ایجاد شد. این تخریب حدود دو سال به طول انجامید.^{۴۳}

با توجه توضیحات ذکر شده، کاربردهای تکیه دولت در طول سال‌های پس از ترور ناصرالدین شاه تا تخریب کامل آن در سال ۱۳۲۵ش را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱- محلی برای اجتماع امنای دولت و رجال به منظور رسیدگی به امور و نیز رسیدگی به کارهای مسئولان کشوری^{۴۴}

۲- برگزاری مراسم تشییع جنازه ناصرالدین شاه (اردیبهشت ۱۲۷۵) و مراسم تشییع جنازه مظفرالدین شاه (۱۲۸۶)

۳- تشکیل مجلس مؤسسان در پاییز ۱۳۰۴ و انتخاب رضاخان به شاهی

۴- عزل احمد شاه^{۴۵}

۵- تشکیل نمایشگاه‌های محصولات وطنی و جلسات سربازگیری ارتش در سال‌های نخستین سلطنت رضاشاه^{۴۶}

۶- محلی برای نگهداشتن حیوانات زنجیری و نگهداری انواع جانوران سلطنتی^{۴۷}
نتیجه‌گیری

تنزیه از زمان آل بویه در ایران رایج شد و در دوره صفویه و قاجاریه شکل تکامل یافته‌ای به خود گرفت. در تهران عصر قاجار مردم به برپایی مراسم مذهبی، بزرگداشت ائمه دین بویژه عزاداری برای شهدای کربلا دست زدند و آن را نوعی فریضه مذهبی به حساب آوردند. از ویژگی‌های عزاداری در دوره قاجار حضور گسترده زنان به ویژه زنان درباری و همسران رجال و اعیان در این مراسم بود. با توجه به استقبال مردم از نمایش تنزیه تکیه‌هایی به همین منظور برای برگزاری مراسم برپا گردید. ناصرالدین شاه پس از سفر به اروپا و دیدن تماشاخانه‌های اروپایی دستور داد تماشاخانه‌ای در تهران بسازند که این تماشاخانه به نام تکیه دولت مشهور شد و پس از یک دوره اوج در دوره ناصری، به مرور زمان و با بی‌توجهی به حفظ و نگهداری بنا، سقف بنا به دلیل سنگینی زیاد دچار مشکل شد. از این رو مظفرالدین شاه دستور داد نسبت به ترمیم و ساخت مجدد سقف بنا اقدام شود. در این دوران به دلیل شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، تجدد مآبی و مشروطه‌خواهی و رواج نمایش‌های غیر مذهبی، اجرای تنزیه رو به افول رفت. با خلع محمدعلیشاه، که مراسم آن در همین بنا برگزار شد،

تکیه دولت نیز متروک شد. در تکیه دولت فقط مراسم عزاداری دهه عاشورا و مجالس مذهبی برپا نمی شد بلکه:

الف) تشییع پادشاهان قاجار همچون تشییع جنازه ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه ، خلع محمد علیشاه، عزل احمد شاه.

ب) مراسم محلی برای اجتماع امنای دولت و رجال به منظور رسیدگی به بعضی امور، مجلس موسسان (ج) برگزیده شدن رضاشان به شاهی ایران، برگزاری نمایشگاه های محصولات و جلسات سرپازگیری ارتش نیز در این عمارت برپا گردید.

د) نگهداری حیوانات زنجیری.

با ممنوعیت اجرای تزییه در زمان رضا شاه ، فرزند او محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۵ دستور داد تکیه دولت را خراب کنند و به جایش بانک ملی در همان مکان ساخته شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصاویر ضمیمه



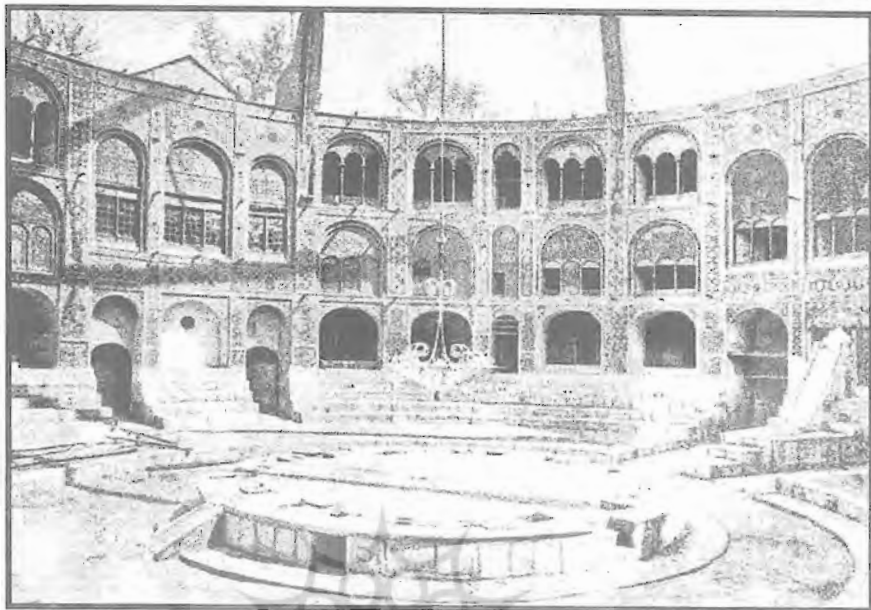
نمایی از تکیه دولت
و عمارت بادگیر کاخ گلستان



سازه سقف تکیه دولت



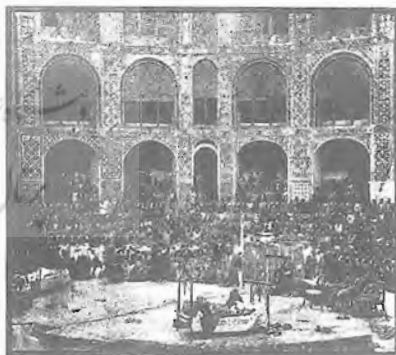
تکیه دولت
اثر کمال الملک



نمایی از
صحن مرکزی تکیه دولت



مسین البکای تعزیه گردان در میان
گروهی از تعزیه خوان های تکیه دولت



تعزیه امام سجاد (ع)
در تکیه دولت

پی نوشت ها و ارجاعات:

- ۱- شهیدی، عنایت الله، پژوهشی در تنزیه و تمزیه خوانی: از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، با همکاری علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۸۰، ص ۲۴۴
- ۲- جهت آگاهی بیشتر ر.ک: بلاغی، عبدالحجّه، تاریخ تهران، آموزش و پرورش قم ۱۳۵۰، ج دوم، ص ۴۸؛ تکمیل همایون، ناصر، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران، ج دوم، ص ۱۸۲؛ مصطفوی، سید محمد تقی، آثار تاریخی طهران: اماکن متبرکه، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، انتشارات گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۳۸۳
- ۳- جهت آگاهی بیشتر ر.ک: چلکروسکی، پیتز جی، تمزیه «نیایش و نمایش در ایران»، داوود حاتمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷، صص ۹۵-۹۴؛ تقیان، لاله، تمزیه و تئاتر در ایران، با همکاری جلال ستاری، تهران، نشر مرکز ۱۳۷۴، ص ۲۴
- ۴- متمدی، محسن، جغرافیای تاریخی تهران، ویراستاران: ع.روحبخشان و حسین بنی آدم با همکاری محمد رسول دریا گشت، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۸۱، ص ۲۳۶
- ۵- جهت آگاهی بیشتر ر.ک: آتابای، بدری، فهرست تاریخ، سفرنامه، سیاحت نامه، روزنامه و جغرافیای خطی کتابخانه سلطنتی، بی جا، ۲۵۳۶، صص ۲۷-۲۶؛ بلوکباشی، علی، تمزیه خوانی: حدیث قدسی مصائب در نمایش آئینی، تهران، امیر کبیر ۱۳۸۳، صص ۹۶-۹۵؛ نوربخش، مسعود، تهران به روایت تاریخ، تهران، نشر علم، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۸۲۴-۸۲۵
- ۶- جهت آگاهی بیشتر ر.ک: سرنا، کارلا، مردم و دیدنی های ایران (سفرنامه کارلا سرنا)، غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، صص ۱۸۳-۱۸۲؛ تمزیه هنر بومی و پیشرو ایران، ص ۱۱۰
- ۷- پژوهشی در تمزیه و تمزیه خوانی، همان، صص ۱۸۳-۱۸۲
- ۸- بزرگ نیا، زهره، معماران ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور، ۱۳۸۳، ص ۲۷۵
- ۹- بیگی، م.حسین، تهران قدیم، بی جا، ققنوس، ۱۳۶۶، ص ۳۱۸
- ۱۰- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، المآثر الانار، بی جا، کتابخانه سنایی، بی تا، ص ۵۸

- ۱۱- تنزیه هنر بومی و پیشرو ایران، همان، ص ۱۱۱
- ۱۲- جهت آگاهی بیشتر رک: پروگش، هینریش، در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش پروگش)، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴، ص ۱۰۵؛ مردم و دیدنی های ایران (سفرنامه کارلا سرنا)، همان، ص ۱۸۴
- ۱۳- سلطان زاده، حسین، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران، انتشارات آگاه ۱۳۶۲، ص ۱۸۳
- ۱۴- قبادیانی، وحید، معماری در دارالخلافه ناصری، تهران، پشتون، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱
- ۱۵- همایونی، صادق، تنزیه در ایران، شیراز، نشر نوید ۱۳۶۸، ص ۳۱۸
- ۱۶- سرنا، کارلا، سفرنامه مادام کارلا سرنا: آدم ها و آیین ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی جا، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲، ص ۱۶۲
- ۱۷- در سرزمین آفتاب، همان، ص ۱۰۵
- ۱۸- جهت آگاهی بیشتر رک: تاریخ تهران، همان، ص ۱۲؛ المآثر الاثار، همان، ص ۵۸
- ۱۹- اوین، اوژین، ایران امروز، علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲، ص ۱۹۰
- ۲۰- نشستن زنان ناصرالدین شاه و زنان اعیان و اشراف در پشت پرده زنبوری به خاطر آن بود که مردم آنها را نبینند و آنان نیز به راحتی روبند از چهره بردارند و در تماشای مردم و صحنه ها و گریستن آزاد باشند. ناصرالدین شاه نیز گاهی در پشت پرده زنبوری می نشست تا مردم او را در حال گریستن نبینند تا هیبتش همچنان پا بر جا بماند. جهت آگاهی بیشتر رک: اورسل، ارنست، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر شهیدی، بی جا، بی تا، ص ۱۵۹؛ پژوهشی در تنزیه و تنزیه خوانی، همان، ص ۲۲۳
- ۲۱- آرکدی، نیکو، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱، صص ۱۶۹-۱۶۸
- ۲۲- لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲، ص ۶۸
- ۲۳- جهت آگاهی بیشتر رک: براون، ادوارد، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، اختران، ۱۳۸۴، ص ۵۵۵؛ بنجامین، گرین ویلر، ایران و ایرانیان، رحیم رضا زاده ملک، بی جا، گلبانگ، ۱۳۶۳، ص ۴۴۶
- ۲۴- ذکاء، یحیی، تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹، صص

۲۹۷-۲۹۴-۲۴-

- ۲۵- نجمی، ناصر، ایران قدیم و تهران قدیم، بی جا، انتشارات جاززاده، ۱۳۶۲، ص ۳۱۵
- ۲۶- ذاکر زاده، امیر حسین، تاریخ و سرگذشت طهران قدیم، تهران، قلم، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸
- ۲۷- تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران، همان، صص ۲۹۴-۲۹۳
- ۲۸- جهت آگاهی بیشتر رک: فوروکاوا، نوییوشی، سفرنامه فوروکاوا، دکتر هاشم رجب زاده و کینیچی، نه اورا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۹۰؛ بایندر، هسری، سفرنامه هانری بایندر، کرامت الله افسر، تهران، فرهنگسرا (یساولی)، ۱۳۷۰، ص ۴۷۳
- ۲۹- پژوهشی در تمزیه و تمزیه خوانی، همان، ص ۱۸۴
- ۳۰- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زوار، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص ۲۹۳
- ۳۱- ایران امروز، همان، ص ۱۹۱
- ۳۲- همان، ص ۱۹۲
- ۳۳- ایران و ایرانیان، همان، ص ۴۳۸
- ۳۴- تهران قدیم، همان، ص ۳۳۱
- ۳۵- پژوهشی در تمزیه و تمزیه خوانی، همان، ص ۱۸۳
- ۳۶- تمزیه در ایران، همان، ص ۱۲۷
- ۳۷- ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، همان، ص ۱۶۹
- ۳۸- پژوهشی در تمزیه و تمزیه خوانی، همان، صص ۱۹۷/۱۱۶
- ۳۹- همان، صص ۲۰۳-۲۰۲
- ۴۰- پژوهشی در تمزیه و تمزیه خوانی، همان، ص ۲۰۶
- ۴۱- تمزیه در ایران، همان، ص ۱۲۷
- ۴۲- همایونی، صادق، گفتارها و گفتگوهای درباره تمزیه، شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۰، صص ۵۲-۴۴
- ۴۳- نجمی، ناصر، دارالخلافه تهران در یکصد سال پیش، تهران، ارغوان، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۷۷
- ۴۴- ایران قدیم و تهران قدیم، همان، ص ۳۱۳

۴۵- همان، ص ۳۲۵

۴۶- ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، همان، ص ۱۶۹

۴۷- تمزیه در ایران، همان، ص ۱۱۲

منابع و مأخذ

- ۱- آتابای، بدری، فهرست تاریخ، سفرنامه، سیاحت نامه، روزنامه و جغرافیای خطی کتابخانه سلطنتی بی جا، بی نا، ۲۵۳۶
- ۲- کدی، نیکی، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس ۱۳۸۱
- ۳- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، المآثر الاثار، بی جا، کتابخانه سنایی، بی تا
- ۴- اوین، اوژین، ایران امروز، علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲
- ۵- اورسل، ارنست، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر شهیدی، بی جا، بی تا
- ۶- بایندر، هنری، سفرنامه هنری بایندر، کرامت الله افسر، تهران، فرهنگسرا (پساوولی)، ۱۳۷۰
- ۷- براون، ادوارد، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، اختران، ۱۳۸۴
- ۸- بروگش، هینریش، در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش بروگش)، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴
- ۹- بزرگ نیا، زهره، معماران ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور، ۱۳۸۳
- ۱۰- بلاغی، عبدالحجّه، تاریخ تهران، ج دوم، آموزش و پرورش قم، ۱۳۵۰
- ۱۱- بلوکباشی، علی، تمزیه خوانی: حدیث قدسی مصائب در نمایش آئینی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳
- ۱۲- بنجامین، گرین ویلر، ایران و ایرانیان، رحیم رضا زاده ملک، بی جا، گلبنانگ، ۱۳۶۳
- ۱۳- بیگی، م.حسین، تهران قدیم، بی جا، ققنوس، ۱۳۶۶
- ۱۴- تقیان، لاله، تمزیه و تئاتر در ایران، با همکاری جلال ستاری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴
- ۱۵- تکمیل همایون، ناصر، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ج دوم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران، ۱۳۷۸
- ۱۶- چلکوسکی، پیتز جی، تمزیه «نمایش و نمایش در ایران»، یا تمزیه هنر بومی و پیشرو ایران، دارود حاتمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷

- ۱۷- ذاکر زاده، امیر حسین، تاریخ و سرگذشت طهران قدیم، تهران، قلم، ۱۳۷۳
- ۱۸- ذکاء، یحیی، تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹
- ۱۹- سرنا، کارلا، سفرنامه مادام کارلا سرنا: آدم ها و آیین ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی جا، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲
- ۲۰- سرنا، کارلا، مردم و دیدنی های ایران (سفرنامه کارلا سرنا)، غلامرضا سعیدی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳
- ۲۱- سلطان زاده، حسین، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲
- ۲۲- شهیدی، عنایت الله، پژوهشی در تعزیه و تهزیه خوانی: از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، با همکاری علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۸۰
- ۲۳- فوروکاوا، نوبویوشی، سفرنامه فوروکاوا، دکتر هاشم رجب زاده و کینیچی نه اورا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴
- ۲۴- قبادیانی، وحید، معماری در دارالخلافه ناصری، تهران، پشتون، ۱۳۸۳
- ۲۵- لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲
- ۲۶- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، چاپ پنجم، تهران، زوار، ۱۳۸۴
- ۲۷- مصطفوی، سید محمد تقی، آثار تاریخی طهران: اماکن متبرکه، تصحیح میر هاشم محدث، چاپ دوم، تهران، انتشارات گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵
- ۲۸- معتمدی، محسن، جغرافیای تاریخی تهران، ویراستاران: ع. روحبخشان و حسین بنی آدم با همکاری محمد رسول دریا گشت، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱
- ۲۹- نجمی، ناصر، دارالخلافه تهران در یکصد سال پیش، چاپ دوم، تهران، ارغوان، ۱۳۷۵
- ۳۰- نوربخش، محمود، تهران به روایت تاریخ، ج ۲، تهران، نشر علم، ۱۳۸۱
- ۳۱- همایونی، صادق، تعزیه در ایران، شیراز، نشر نوید، ۱۳۶۸
- ۳۲- همایونی، صادق، گفتارها و گفتگوهایی درباره تعزیه، شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۰